

پنج قاره

#### «روبات» در جست‌وجوی هواپیمای مالزیایی

**•فرانس پرس:** عملیات جست‌وجو برای یافتن هواپیمای ناپدیدشده مالزی پس از ردیابی علایم احتمالی جعبه سیاه هواپیمای به‌صورت زیرآبی با کمک روبات دنبال می‌شود. عملیات جست‌وجو در حال حاضر در جنوب اقیانوس هند دور از سواحل غربی استرالیا ادامه دارد. وارن تراس معاون نخست‌وزیر استرالیا گفت: «سعی داریم علایمی را که احتمال می‌رود از جعبه سیاه هواپیمای خطوط هوایی مالزی باشد مجددا ردیابی کنیم.» وی افزود: «ردیابی این علایم بسیار امیدبخش است و موفقیت مهمی به شمار می‌رود.» در همین حال نیروهای تجسس گفتند عملیات یک ماهه جست‌وجو برای یافتن سرنخی از هواپیمای مفقودشده به مرحله حساسی رسیده چرا که احتمال تمام‌شدن باتری‌های جعبه سیاه بیشتر شده‌است.به گفته مقامات استرالیایی، سیگنال‌های دریافتی از طریق یکی از کشتی‌های جست‌وجوگر با سیستم ثبت‌کننده جعبه سیاه هواپیمای مطابقت دارد هرچند که هیچ سیگنال دیگری ثبت مجدد نشده‌است. کارشناسان تاکنون نقص فنی را علت ناپدیدشدن هواپیمای اعلام نکرده‌اند اما شواهد از جمله قطع ارتباط هواپیمای با برج مراقبت حاکی از آن است این هواپیمای به صورت عمدی از مسیر منحرف شده‌است.

#### عذر خواهی دونده متهم به قتل در دادگاه

**• ایژنا:** اسکار پیستوریوس، قهرمان دوومیدانی پارالمپیک که متهم به قتل است روز دوشنبه بار دیگر در جلسه دادگاهی در پرتورای آفریقای جنوبی با چشمانی لشکبار از خانواده مقتول عذرخواهی کرد. پیستوریوس در جلسه دادگاه، با صدایی لرزان گفت سعی در محافظت از دوست‌دخترش داشت و نمی‌تواند رنج عظیمی را که سبب شده‌است، تصور کند. پیستوریوس با عذرخواهی از خانواده ربوا استین کمپ، گفت خواب‌های وحشتناک می‌بیند و اغلب با توهم بوی خون دوست دخترش در مشام از خواب می‌پرد. او به دادگاه گفت که داروی ضدافسردگی و قرص خواب مصرف می‌کند. اسکار پیستوریوس متهم شده‌است روز چهاردهم ماه فوریه سال ۲۰۱۳، در ساعات اولیه روز والتاین، ربوا استین کمپ دوست دختر ۲۹ساله خود را با سه گلوله که از پشت در دستشویی خانه به او شلیک کرد به قتل رسانده‌است. قهرمان ۳۷ساله پارالمپیک که به او لقب «تینگ پا» داده‌اند می‌گوید مقتول را با یک درد اشتباه گرفته بود.

**شرق:** دانش‌آموزان مدرسه علامه‌حلی در اقدامی نیکوکارانه و برپایی بازارچه خیریه ۳۰زندانی را آزاد کردند. به گزارش خبرنگار ما، آخرین روزهای سال گذشته بود که مسوولان مدرسه علامه‌حلی به رسم هرساله بازارچه‌ای خیریه راه انداختند تا سود حاصل از این بازارچه در امور خیر استفاده شود اما آنچه که این بازارچه را از برنامه‌های سال‌های گذشته متمایز می‌کرد ایده‌فال‌فروشی و آزادکردن زندانیان بود. سیدمصطفی باقری، معلم راهنمای پایه اول مدرسه علامه‌حلی درباره آزادی ۳۰ زندانی می‌گوید: بچه‌هایی که وارد مدرسه ما می‌شوند همگی تیزهوش هستند و به‌لحاظ علمی مشکلی ندارند اما به‌خاطر تیزهوش‌بودن و اینکه به درشنان بسیار توجه شده‌است باید روی مهارت‌های اجتماعی آنها هم کار شود. وقتی موضوع بازارچه مطرح شد بچه‌ها ایده‌های مختلفی را مطرح کردند که واقعا خلافتنه بود. ما هم تصمیم گرفتیم برای اینکه بچه‌های نخبه ما بتوانند با سطح جامعه ارتباط برقرار کنند پول حاصل از این بازارچه را صرف زندانیان کنیم. در مجموع هشت‌میلیون تومان جمع و قراری با یکی از معاونان دادستان گذاشته شد و گروهی که همگی دانش‌آموز بودند در این جلسه حاضر شدند. پرونده‌هایی مطرح شد که واقعا بچه‌ها و حتی خود ما تعجب کردیم میالعی که افرادی به‌خاطر آن در زندان بودند بسیار کم بود و خوشبختانه با واریز پول در دو مرحله ۳۰ نفر آزاد شدند و این حس بسیار خوبی برای بچه‌ها ایجاد کرد.

او می‌گوید: تأثیری که این کار روی بچه‌ها داشت بسیار زیاد بود چرا که در همان جلسه بچه‌ها جوانی را دیدند که حین سربازی به دلیل تصادف رانندگی به پرداخت دیه محکوم شده بود. خانواده آن جوان با فروش دارایی‌شان بخش عمده‌ای از دیه را داده اما مبلغ بسیار کمی مانده و سرباز جوان به‌خاطر آن در زندان بود. وقتی او برای دیدار خانواده‌اش مرخصی گرفته و بیرون آمده بود به‌خاطر وضعیت بد مالی خانواده‌اش دیگر به زندان برگشته و در بیمارستانی به عنوان کارگر مشغول به کار

**شرق:** مردی که متهم است خواهر همسرش را به قتل رسانده در جلسه دادگاه اتهامش را پذیرفت و از ارتکاب جنایت ابراز پشیمانی کرد. به گزارش خبرنگار ما نماینده دادستان در ابتدای این جلسه دادگاه که صبح دیروز در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد متهم را مردی ۴۰ساله به نام حمید و مقتول را زنی ۲۷ ساله به‌نام نیلوفر معرفی کرد و گفت: «حمید ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳ مرداد سال گذشته هنگامی که نیلوفر در خانه تنها بود به‌عنوان میهمان به خانه آنها رفت. آن روز گفت روز حادثه نیلوفر به او التماس می‌کرد که رهایش کند اما او به خواهرزنش تجاوز کرد و سپس او را کشت.

این هنگام متهم ناگهان به قصد تعرض به وی حمله کرد. همسایه‌ها شهادت داده‌اند که صدای مقتول را در حالی‌که از حمید خواهش می‌کرد او را رها کند شنیده‌اند. متهم به خواش‌های نیلوفر توجه نکرد و ۴۰ساله به نام حمید و مقتول را زنی ۲۷ ساله به‌نام نیلوفر معرفی کرد و گفت: «حمید ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳ مرداد سال گذشته هنگامی که نیلوفر در خانه تنها بود به‌عنوان میهمان به خانه آنها رفت. آن روز گفت روز حادثه نیلوفر به او التماس می‌کرد که رهایش کند اما او به خواهرزنش تجاوز کرد و سپس او را کشت. متهم پس از این اعترافات بخشی از گفته‌هایش را تغییر داد و مدعی شد از مدت‌ها قبل با نیلوفر رابطه داشت. پلیس مدارک موجود از جمله فهرست مکالمات تلفنی مقتول را مورد بررسی قرار داد اما مشخص شد این

## حوادث

## آزادی ۳۰ زندانی با فعالیت خیریه دانش آموزان

### دانش آموزان مدرسه علامه‌حلی در بازارچه خیریه برای محکومان جرایم غیر عمد ۸ میلیون تومان جمع‌آوری کردند



شده بود. همان زمان که ما با معاون دادستان جلسه داشتیم آن سرباز را دستگیر کردند و به آنجا آوردند. شرح زندگی او بچه‌ها را به‌شدت تحت‌تاثیر قرار داد و مبلغی از پول صرف بدهی او شد. چنین کارهایی حس مسؤولیت اجتماعی را در بچه‌ها بالا برده و کمک به دیگران را به آنها آموزش می‌دهد که خوشبختانه این مورد بسیار تأثیر داشت. پارسا رحمان مشهدی یکی از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این طرح که در کلاس هفتم مدرسه علامه‌حلی درس می‌خواند در بازارچه خیریه به فال می‌فروخت. او در این باره می‌گوید: «من همیشه به بچه‌های کوچک که کار می‌کنند فقر می‌کنم، بچه‌هایی که گل و فال و اینجور چیزها می‌فروشند. با خودم می‌گویم اگر آنها هم امکانات داشتند می‌توانستند مثل من در مدرسه استعدادهای درخشان درس بخوانند یا اینکه زندگی بهتری داشته باشند. به همین دلیل دلم می‌خواست

#### متهم در دادگاه جرمش را پذیرفت

## قتل خواهرزن بعد از تعرض

ادعا صحت ندارد. حمید نیز در مراحل بعدی این حرف خود را پس گرفت و گفت دروغ گفته‌است. در نهایت کیفرخواست علیه حمید به اتهام تجاوز به عنف، قتل، جنایت بر میت و سرقت صادر شد و بنا به گفته دادستان او از نظر دادسرا گناهکار است به همین دلیل خواستار صدور حکم اونی هستم».

اولیای دم مقتول در ادامه جلسه دادگاه در جایگاه حاضر شدند و گفتند خواستار صدور حکم قصاص هستند. پدر نیلوفر گفت: «حمید اماسد من بود و از نو‌های چهارساله دارم. او با دخترم مشکلی نداشت و ما تصور می‌کردیم حمید مرد خوبی است و همه‌چیز

## سرقت از زنان با آبمیوه مسموم

#### متهم جرایمش را به محض آزادی از زندان از سر گرفت



**شرق:** مجرم سابقه‌دار که به‌محض آزادی از زندان جرایمش را از سر گرفته بود بعد از سرقت در چند شهر مختلف به دام افتاد. به گزارش خبرنگار ما ماموران گشت پلیس آگاهی تهران در طی مسیر، با معرفی خودم به‌عنوان مامور و در معرض دید قراردادن سلاح قاچای ادعای کردم می‌توانم برای مسافرم شغل یا وام تهیه کنم به این ترتیب اعتماد طعمه را جلب می‌کردم و به او آبمیوه مسموم می‌دادم و زنان را بعد از سرقت در همان وضعیت بیهوش در کوچه‌های فرعی شهر رها می‌کردم. کارآگاهان با توجه به اعترافات صریح متهم و همچنین اموال و مدارک به دست‌آمده از داخل خودرو مسروقه، موفق به شناسایی تعدادی از زنانی شدند که همگی آنها به شیوه‌ای مشابه توسط رضا مورد سرقت قرار گرفته بودند. یکی از شکات پس از حضور در پایگاه هفتم پلیس آگاهی و شناسایی متهم در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «روز ۲۴ اسفند است. متهم درباره نحوه سرقت پراید به کارآگاهان گفت: در شیراز، به‌عنوان مسافر سوار پرایدی شدم و پس از طی مسافتی کوتاه با معرفی خود به‌عنوان مامور قوه قضاییه و جلب اعتماد راننده مدعی شدم به واسطه ارتباط با برخی مقامات مهم قضایی کشور می‌توانم برای او وام تهیه کنم. پس از جلب اعتماد مرد مسافرکش به بهانه خرید آبمیوه از ماشین پیاده شدم و داروی خواب‌آوری را که از قبل آماده کرده بودم داخل آبمیوه ریختم و به راننده دادم. او پس از نوشیدن آبمیوه بیهوش شد و من خودرو را با تمامی اسناد و مدارک شناسایی سرقت کردم. از آنجا به اصفهان رفتم و پس از چند روز به تهران آمدم. از آن به بعد زنان را به‌عنوان مسافر سوار و آنها را بیهوش می‌کردم و اموالشان را می‌زدردیدم.

رضا در ادامه اعترافات خود گفت: «من روز ۱۸ اسفند سال گذشته از زندان رشت آزاد شدم و به محض آزادی پرایدی را در شهر الزلی سرقت کردم و با آن به تهران آمدم. پس از چندین فقره سرقت به شیوه بیهوشی، ماشین

## ۳ کارگر زن در آتش «مبل‌سازی» زخمی شدند

**• شرق:** آتش‌سوزی کارگاه رنگ میلمان سه کارگر زن را مجروح کرد. با اطلاع‌رسانی شهروندان به سامانه۱۲۵ مبنی بر مشاهده دود و آتش از کارگاه میلمان و مصنوعات‌چوبی ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران ساعت ۱۷:۰۸ دوشنبه، آتش‌نشانان را به محل حادثه در خیابان مدنی اعزام کرد. در محل حادثه ساختمانی دوطبقه دیده می‌شد که در طبقه اول آن کارگاه چاپ و کاغذ فعالیت می‌کرد و ملو از کالاهای قابل‌اشتعال و

کاغذ بود و طبقه دوم آن نیز که واحد صدمتری بود به

کاربری کارگاه رنگریزی میلمان تبدیل شده که به‌عابت معلوم رچ‌آتش‌سوزی شده و شعله‌های آتش از آن زنانه می‌کشید. در این حادثه، پس از بررسی‌های اولیه معلوم شد سه کارگر زن در میان شعله‌های آتش و داخل کارگاه محبوس شده‌اند که آتش‌نشانان هر سه کارگر را که دچار سوختگی و جراحات شده بودند خارج کردند و تحویل امدادگران اورژانس دادند.

رخداد

#### خودکشی کارگر در شرکت راه‌آهن

**• ایلسا:** کارگری در اداره نیروی کشش راه‌آهن به زندگی خود پایان داد. یکی از کارگران اداره نیروی کشش در این‌باره گفت: جسد «حجت‌ش» کارگر اداره نیروی کشش راه‌آهن صبح دیروز در حالی که با نادبار از جرتقیل سقنی کارگاه آویزان شده‌بود، پیدا شد. وی با بیان اینکه به نظر می‌رسد خود «حجت‌ش» هدایت جرتقیل را از طریق کنترل از راه دور برعهده داشت از احتمال خودکشی وی سخن گفت و ادامه داد: جسد آویزان شده «حجت» توسط جرتقیل بیش از یک متر از زمین فاصله داشت. وی با بیان اینکه «حجت» دو فرزند داشت، افزود: پلیس از نزدیک‌شدن کارگران به جسد «حجت» جلوگیری کرد اما گفته می‌شود نامه‌ای از او به همراه عکس‌های فرزندانش به‌جا مانده‌است. این کارگر اداره نیروی کشش بیان کرد: «حجت. ش» متولد سال ۵۵ بود و از سال ۷۹ به استخدام اداره نیروی کشش راه‌آهن درآمده و مشمول قرارداد کار رسمی شده بود و مانند سایر همکارانش وظیفه تعمیر و نگهداری از لوکوموتیوها ابر عهده‌داشت. وی تصریح کرد: روایت‌ها از زمان خودکشی «حجت» متفاوت است، گروهی معتقدند وی دوشنبه‌شب به زندگی‌اش پایان داده‌است و گروهی دیگری می‌گویند او صبح دیروز وارد اداره شده و خودش را از دار زده‌است. به گفته وی، «حجت» روز دوشنبه با همکارانش حفاظتی کرد و از همگی آنان حالیت طلبید اما کسی گمان نمی‌کرد مقصود او خودکشی باشد. وی مشکل مالی و خانوادگی

را از جمله دلایل احتمالی این خودکشی دانست. این کارگر اداره نیروی کشش همچنین از اختلاف‌فظری خبر داد که گفته می‌شود میان کارگر متوفی با کارفرما بر سر محاسبه حق اضافه‌کاری به وجود آمده بود. در همین حال «صادق سکر» مدیر روابط‌مومی اداره راه‌آهن هرگونه ارتباط سازمان متویش با خودکشی «حجت. ش» را تکذیب کرد و با اشاره به نوشت‌های که از کارگر متوفی برجای مانده‌است، گفت: خودکشی «حجت‌ش» همانطور که در وصیتنامه او هم آمده، فقط به دلیل اختلافات خانوادگی بوده‌است. این مقام مسول در شرکت راه‌آهن درباره اینکه چگونه کارگر مورد نظر در فضای این مجموعه اقدام به خودکشی کرده‌است، توضیح داد: «حجت‌ش» ناظر پروژه بود و کلید سوله را داشت بنابراین وی با استفاده از این موقعیت، دوشنبه شب خود را دور از چشم سایرین در سوله پنهان و سپس در همانجا اقدام به خودکشی کرده‌است.

#### صدور کیفرخواست در پرونده شکنجه زن ایرانی در برلین

**• ایسنا:** پرونده زن جوان ایرانی که در برلین آلمان توسط مردی مورد حمله قرار گرفته بود، در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی می‌شود. زنی جوان به نام‌بنفشه در سال ۹۱ در حالی که به‌تازگی از همسرش جدا شده بود همراه دخترش برای زندگی به آلمان سفر کرد و در آنجا از طریق شبکه‌های اجتماعی با مردی به نام امید آشنا شد. بنفشه به دلیل ناآشنایی به زبان انگلیسی به امید اعتماد کرد و همین موضوع باعث آشنایی بیشتر آنها شد. روابط بنفشه و امید روزبه‌روز افزایش یافت تا آنجا که امید برای بنفشه در برلین خانه‌ای اجاره کرد. پس از مدتی امید شروع به محدودکردن بنفشه کرد و وی که از رفتار و برخورد امید به‌ستوه آمده بود از او خواست از یکدیگر جدا شوند، اما امید با نظر بنفشه مخالفت کرد و سرانجام ساعت ۷:۳۰ نهم آبان ۹۱ با یک بسته که شامل طناب و چسب بود به منزل بنفشه رفت و زمانی که دختر بنفشه در را باز کرد، امید او را به اتاقی برد و تلویزیون را برای او روشن و او را در اتاقی حبس کرد.امید سپس سراغ بنفشه رفت، او را مورد آزار و اذیت قرار داد و در نهایت شروع به بریدن اعضای بدن بنفشه از جمله نوک بینی، انگشت‌ها و دیگر بخش‌های بدن وی کرد. امید قبل از این اقدام فیلمی از خود گرفته و با گریه در آن فیلم گفته بود بنفشه را دوست داشت. شکنجه زن جوان از ساعت ۷:۳۰ تا ۱۱ ادامه یافت و امید پس از این اقدام جنون‌آمیز در ساعت ۱۷ خانه بنفشه را ترک کرد سپس بنفشه به‌سختی خود را به سمت پنجره رساند و توسط فردی دوپشت مسوار که از شرکت پنجره طبقه اول ساختمان ناله‌های بنفشه را شنیده بود از مرگ حتمی نجات پیدا کرد. پس از انتشار این خبر در مطبوعات و اعلام جرم پلیس برلین علیه‌امید، پلیس آگاهی ایران در جریان موضوع قرار گرفت و از آنجا که متهم قصد داشت به ایران بازگردد، پرونده‌ای در این زمینه تشکیل و تحقیقات آغاز شد. پس از انتشار این خبر، مدارک، عکس‌ها و گزارش‌های این ماجرا در اختیار قاضی سپیدنامه –بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران– قرار گرفت. در همین حال متهم در همان روز ارتکاب جرم برلین را ترک کرد و از مرز آذربایجان وارد ایران و در روز ۲۶ آبان سال ۹۱ دستگیر شد. در تحقیقات به‌عمل‌آمده مشخص شد امید در سال ۸۱ در برلین از همسرش جدا شده‌است.

متهم در سال ۹۰ که به ایران بازگشته، با دختری در اصفهان آشنا شده و با او ارتباط برقرار کرده بود اما آن دختر پس از مدتی از او جدا شد و شکایتی را نیز علیه امید طرح کرد اما بعد از مدتی رضایت داد.امید پس از این اتفاقات عکس‌های خود و این دختر را منتشر کرد که با حکم دادگاه به‌صورت غیابی به پنج‌سال حبس محکوم شد. بر اساس این گزارش، متهم این پرونده حدود یک‌سال‌وَنیم است که در حبس به‌سر می‌برد و قرار مجرمیت وی صادر شده و به‌زودی پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران ارسال می‌شود.